

زمان پیشنهادی: ۱۴ دقیقه

زبان فارسی ۳ درس‌های سیزدهم تا شانزدهم

۱- در عبارت «یکی از گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین اقسام شعر در ادبیات فارسی، شعر تعلیمی است. شعر تعلیمی شعری است که قصد گوینده و سراینده‌ی آن تعلیم و آموزش مطالب علمی، اخلاقی یا هنری باشد.» به ترتیب چند ترکیب وصفی و چند ترکیب اضافی دیده می‌شود؟

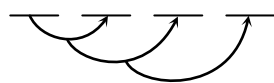
(۱) ۷، ۸ (۲) ۷، ۵ (۳) ۶، ۵ (۴) ۶، ۶

۲- در عبارت «دکتر عبدالحسین زرین کوب سالیان دراز به تدریس و تربیت دانشجویان اشتغال داشت. زمینه‌ی اصلی تألیفات و تحقیقات او نقد و ادب و شناساندن فرهنگ و تاریخ اسلامی و ایرانی است.» به ترتیب، چند ترکیب اضافی و چند ترکیب وصفی وجود دارد؟

(۱) ۵، ۷ (۲) ۶، ۷ (۳) ۵، ۸ (۴) ۶، ۹

۳- در عبارت «در گذر از کویی، یک روز دو تن را در حال نزاع دید. یکی به دیگری پرخاش می‌کرد که اگر یکی به من گویی، هزار بشنوی. مولانا روی به آن دیگری کرد و گفت: هرچه خواهی به من گوی که اگر هزار گویی، یکی هم نشنوی.» به ترتیب چند وابسته‌ی پیشین و چند وابسته‌ی پسین به کار رفته است؟

(۱) ۱، ۹ (۲) ۱، ۷ (۳) ۲، ۱ (۴) ۲، ۲



۴- نمودار کدام یک از گروه‌های اسمی زیر به این شکل است؟

- | | |
|--------------------------------|------------------------------------|
| (۱) پخش مستقیم مسابقه‌ی فوتبال | (۲) اجرای زنده‌ی موسیقی سنتی |
| (۳) آرزوی مردم سرزمین ایران | (۴) کتاب خواندنی، آموزنده و پرفروش |

۵- در عبارت زیر، کدام گزینه به عنوان «متمم اسم» به کار رفته است؟

«امید می‌رود که دانش فراوان‌شناسی، توانایی‌های به‌ظاهر توضیح‌ناپذیر وجود آدمی را از قلمرو راز و رمز، به مرز وضوح سوق دهد و زمینه‌های بیشتری را برای آشنایی با این موضوع فراهم سازد و به برکت کشفیات نو و مستدل، افق روشن‌تری را فرا راه پژوهشگران بگشاید.»

- | | |
|---------------------|----------------------------|
| (۱) قلمرو راز و رمز | (۲) مرز وضوح |
| (۳) این موضوع | (۴) برکت کشفیات نو و مستدل |

۶- در جمله‌ی زیر، چند «شاخص» به کار رفته است؟

«مهندس بهرامی برای حل این مشکل به دکتر غفوری، استاد شیمی دانشکده‌ی علوم که به‌واقع در این زمینه استاد هستند، مراجعه کرد.»

(۱) یک (۲) دو (۳) سه (۴) چهار

۷- در عبارت «به این که مرا خلق اختیار کردند که بهترین خلقی، غره نتوان گشت. چون هر چه کنم به گمان خواهد بود، این

گمان در حق خویش برم، بهتر.» نوع وابسته در گروه‌های اسمی به ترتیب چیست؟

- ۱) صفت برترین، صفت اشاره، مضاف‌الیه
- ۲) صفت برترین، صفت بیانی، صفت اشاره، مضاف‌الیه
- ۳) مضاف‌الیه، صفت اشاره، مضاف‌الیه
- ۴) مضاف‌الیه، صفت مبهم، صفت اشاره، مضاف‌الیه، صفت برتر

۸- وجود کدام گزینه در نثر، دلیلی بر هنری بودن آن نیست؟

- ۱) رعایت قواعد زبان
- ۲) بیان طنزآمیز
- ۳) چگونگی کاربرد زبان
- ۴) احساس و عاطفه

۹- کدام گزینه در مورد «طنز» درست نیست؟

- ۱) یکی از عواملی است که به بیان جنبه‌ی هنری می‌بخشد.
- ۲) اساس آن، برهم زدن عادت‌هاست.
- ۳) با بزرگ‌نمایی زشتی‌ها و پلشتی‌ها، خواننده را به زیبایی و پاکی رهنمون می‌گردد.
- ۴) خنده‌ی حاصل از طنز، خنده‌ای است ناشی از رضایت و شادمانی

۱۰- در نوشته‌ی «هویت اصلی مطبوعات سخنرانی مکتوب و هویت اصلی تلویزیون سخنرانی مصور و هویت اصلی رادیو در

چنین حالتی، سخنرانی رادیواکتیویته خواهد بود! یا بگو سخنرانی موجی» نویسنده از کدام یک از شیوه‌های طنزپردازانه

بهره برده‌است؟

- ۱) جابه‌جا کردن حوادث و وقایع
- ۲) بازی با کلمات و در نظر گرفتن کاربردهای متفاوت یک واژه
- ۳) بهره‌گرفتن از فرهنگ عامیانه
- ۴) بهره‌گرفتن نام‌های طنزآمیز برای شخصیت‌ها

پاسخ کلیدی

- | | | | |
|-------|-------|-------|-------|
| ۳ (۴) | ۴ (۳) | ۴ (۲) | ۱ (۱) |
| ۱ (۸) | ۳ (۷) | ۲ (۶) | ۳ (۵) |
| | | ۲ (۸) | ۴ (۷) |

پاسخ‌نامه‌ی آموزشی - تحلیلی

۱- گزینه‌ی ۱

می‌دانیم که در آغاز باید کسره‌گذاری کنیم و سپس زیر صفت‌ها «ص» و زیر مضاف‌الیه‌ها «م» بگذاریم و در پایان به هم‌پایه‌ها و حذف‌ها خوب توجه داشته‌باشیم:

یکی از گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین اقسام شعر در ادبیات فارسی، شعر تعلیمی است.

شعر تعلیمی شعری است که قصد گوینده و نویسنده‌ی آن تعلیم و آموزش مطالب علمی، اخلاقی یا هنری باشد.

روشن است که اگر واژه‌ی «الف» وابسته‌ی واژه‌ی «ب» باشد و واژه‌ی «ب» هم‌پایه‌ای مانند «ج» داشته‌باشد، واژه‌ی «الف» وابسته‌ی «ج» نیز هست؛ در این حالت برای این وابسته (ص یا م) یک ضریب ۲ (و اگر دو هم‌پایه یا بیش‌تر در میان باشد ضریب ۳ یا بیش‌تر) در نظر می‌گیریم.

این قاعده‌ی اصلی را در گروه‌های اسمی که از یاد نبرده‌اید: وابسته‌های پیشین، به اولین اسم پس از خود برمی‌گردند و وابسته‌های پسین به اولین اسم پیش از خود.

«گسترده‌ترین» وابسته‌ی اولین اسم پس از خود یعنی «اقسام» است ← «اقسام» هم‌پایه ندارد ← ضریبی در نظر نمی‌گیریم (دامنه‌دارترین هم به همین دلیل ضریبی نمی‌خواهد).

«گوینده» مضاف‌الیه «قصد» است ← «قصد» هم‌پایه ندارد ← ضریبی در نظر نمی‌گیریم («نویسنده» هم به همین دلیل ضریب نمی‌خواهد).

«آن» مضاف‌الیه «نویسنده» است ← «نویسنده» هم‌پایه دارد و آن «گوینده» است ← «آن» وابسته‌ی «گوینده» نیز هست ← در این مورد باید برای آن ضریب «۲» در نظر بگیریم.

«مطالب» مضاف‌الیه «آموزش» است ← «آموزش» هم‌پایه دارد ← «مطالب» ضریب «۲» می‌خواهد.

«علمی»، «اخلاقی» و «هنری» هر سه، صفت «مطالب» هستند ← «مطالب» هم‌پایه ندارد ← هیچ یک ضریب نمی‌خواهند:

یکی از گسترده‌ترین و دامنه‌دارترین اقسام شعر در ادبیات فارسی، شعر تعلیمی است.

شعر تعلیمی شعری است که قصد گوینده و نویسنده‌ی آن تعلیم و آموزش مطالب علمی، اخلاقی یا هنری باشد

← ۱ ترکیب وصفی و ۷ ترکیب اضافی

۲- گزینه‌ی ۴

دکتر عبدالحسین زرین کوب سالیان دراز به تدریس و تربیت دانشجویان اشتغال داشت. زمینه‌ی اصلی تألیفات و تحقیقات او،

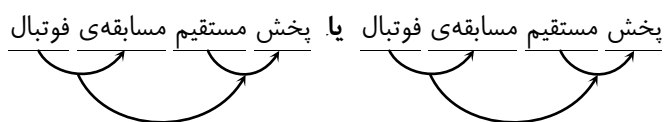
نقد و ادب و شناساندن فرهنگ و تاریخ اسلامی و ایرانی است ← ۹ ترکیب اضافی و ۶ ترکیب وصفی

همان‌طور که حتماً در کتاب آموزشی نشر دریافت خوانده‌اید، اگر «یکی» یا «دیگری» به‌تنها به‌کار روند، اسم

مبهم هستند. «هرچه» و «هر که» نیز از نمونه‌های مهم اسم مبهم به‌شمار می‌آیند.

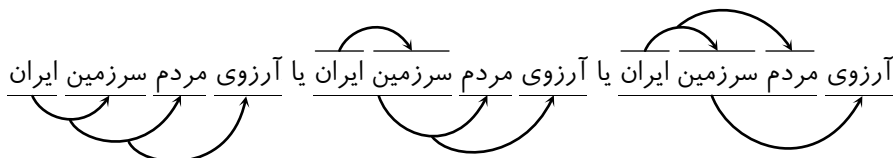
«ی» در «کویی» نشانه‌ی نکره است ⇐ وابسته‌ی پسین
 «یک» در «یک روز» صفت شمارشی است ⇐ وابسته‌ی پیشین
 «زاع» در «در حالِ نزاع» مضاف‌الیه است ⇐ وابسته‌ی پسین
 «آن» در «آن دیگری» صفت اشاره است ⇐ وابسته‌ی پیشین
 «هزار» در این‌جا نمی‌تواند صفت باشد؛ چون پس از آن اسمی نیامده است که بخواهد صفتِ آن باشد! پس باید آن را صفت جانشین اسم به‌شمار آورد که در حکم اسم است.

۴- گزینه‌ی ۳ در گروه اسمی «پخش مستقیم مسابقه‌ی فوتبال»، «پخش» هسته‌ی گروه است، «مستقیم» صفتِ آن و «مسابقه‌ی فوتبال» مضاف‌الیه آن. که البته در این‌جا، «فوتبال» مضاف‌الیهِ «مسابقه» (مضاف‌الیه مضاف الیه) است. نمودار پیکانی این گروه را می‌توان به شکل‌های زیر ترسیم کرد:

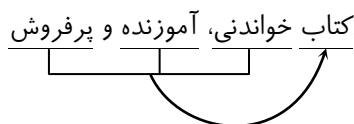


در گروه اسمی «اجرای زنده‌ی موسیقی سنتی»، «اجرا» هسته‌ی گروه است و «زنده» صفت آن. «موسیقی سنتی» نیز مضاف‌الیه «اجرا» می‌باشد که در آن «سنتی» صفتِ «موسیقی» است. (صفتِ مضاف‌الیه است؛ یعنی وابسته‌ی وابسته) نمودار پیکانی این گروه اسمی نیز یقیناً مشابه نمودار گروه اسمی قبل رسم می‌شود.

در گروه اسمی «آرزوی مردم سرزمین ایران»، «آرزو» هسته‌ی گروه است. در این گروه پس از «هسته» چند اسم به کمک نقش‌نمای اضافه و صفت (کسره) در پی هم آمده‌اند؛ پس هر یک از آن‌ها مضاف‌الیه اسم قبل از خود است؛ یعنی «ایران» مضاف‌الیه «سرزمین» است، «سرزمین ایران» مضاف‌الیه «مردم» و «مردم سرزمین ایران» مضاف‌الیه «آرزو». (در نگاهی دیگر می‌توان گفت که «مردم» وابسته‌ی هسته است. «سرزمین» وابسته‌ی وابسته و «ایران» وابسته‌ی وابسته یا همان وابسته‌ی مرتبه‌ی سوم.) نمودار پیکانی این گروه اسمی را می‌توان به شکل‌های زیر رسم کرد که حالت سوم رایج‌تر است.



در گروه اسمی «کتاب خواندنی، آموزنده و پرفروش»، «خواندنی»، «پرفروش» و «آموزنده» هر سه صفت‌های کتاب هستند که به کمک «درنگ» (،) و حرف پیوند «و» هم‌پایه شده‌اند. نمودار این گروه به این شکل است:



۵- گزینه‌ی ۳ «آشنایی» جزو آن دسته از اسم‌هاست که به کمک حرف اضافه‌ی اختصاصی خود (با) متمم می‌گیرد (آشنایی با چیزی / کسی)

«سوق‌دهد» یک فعل مرکب است و فعل‌های ساخته‌شده از مصدر «سوق دادن» همیشه به همراه مفعول و متمم به کار می‌روند: چیزی / کسی را به جایی سوق دادن

بنابراین «مرز وضوح»، متمم اجباری فعل و «قلمرو راز و رمز» متمم اختیاری فعل (متمم قیدی) به‌شمار می‌آیند.

۶- گزینه‌ی ۲

شاخص‌ها، عناوین و القابی هستند که بدون هیچ نشانه و نقش‌نمایی بی‌فاصله پیش از اسم می‌آیند؛ مانند «مهندس» و «دکتر» در گروه‌های اسمی «مهندس بهرامی» و «دکتر غفوری»، اما «استاد» در گروه اسمی «استاد شیمی دانشکده‌ی علوم» نمی‌تواند «شاخص» باشد؛ زیرا بعد از آن، نقش‌نمای کسره آمده‌است ← «استاد» هسته‌ی این گروه است؛ البته کل این گروه به عنوان بدل برای «دکتر غفوری» آمده‌است.

پرسش:

چرا در گروه اسمی «استاد شیمی دانشکده‌ی علوم»، «شیمی» و «دانشکده‌ی علوم» هر یک به‌طور مستقل وابسته‌ی هسته «استاد» هستند و چرا «دانشکده‌ی علوم» را مضاف‌الیه «شیمی» به‌شمار نیاوردیم؛ به‌عبارت دیگر تفاوت ساختمان دو گروه «استاد شیمی دانشکده‌ی علوم» و «استاد کلاس‌های دانشکده‌ی علوم» در چیست؟

اگر به پاسخ این سؤال برسید؛ آن وقت به‌راحتی متوجه می‌شوید که چرا در گروه اسمی «شش دستگاه دوربین فیلمبرداری نو» (← خودآزمایی ۲ درس گروه اسمی ۲)، «نو» صفت «دوربین» به‌شمار می‌آید، نه فیلم‌برداری.

اگر نتوانستید به این سؤال‌ها جواب دهید یا اصلاً از این حرف‌ها هیچ سردرنیابوردید، تقصیر شما نیست؛ تقصیر ما معلم‌هاست و قدری هم تقصیر کتاب‌های درسی. به هر حال قصد ما از طرح این مسئله بدون ارائه‌ی پاسخ این است که شانس گرفتن جایزه را از شما سلب نکنیم، منتظر جواب‌هایتان هستیم!

ادامه‌ی پاسخ تست؛ «استاد» در جمله‌ی «در این زمینه استاد هستند»، نمی‌تواند شاخص باشد، زیرا:

۱- بعد از «استاد» اسمی نیامده‌است.

۲- «استاد» در این جمله در جایگاه «مسند» قرار گرفته‌است.

۷- گزینه‌ی ۳

پس از «این» اسمی نیامده‌است ← ضمیر است نه صفت (در این‌جا نقش متمم دارد).

با توجه به این که فردی دارد درباره‌ی خودش صحبت می‌کند و از آن‌جا که هر کسی فقط یک نفر است نه بیش‌تر! باید «بهترین خلق» را به شکل «بهترین خلق» خواند تا بر یک نفر دلالت کند نه جمعیتی و خلقی ← «بهترین» هسته است و «خلق» مضاف‌الیه آن (گزینه‌های ۱ و ۳ رد شدند).

«هرچه» اسم مبهم است و «هر» در آن، جداگانه صفت به‌شمار نمی‌آید.

«این» صفت اشاره برای گمان است و «خویش» مضاف‌الیه «حق». «بهتر» مسند جمله است (بهتر است). پس اسم به‌شمار می‌آید نه صفت

۸- گزینه‌ی ۱**۹- گزینه‌ی ۴****۱۰- گزینه‌ی ۲**

در این‌جا نویسنده با استفاده از ایهام موجود در واژه‌ی «موجی» (۱- از جنس موج ۲- دیوانه‌وار، مانند کسی که دچار ضربه‌ی موج‌های حاصل از انفجار شده است). سخن خود را طنزآمیز کرده‌است.